

# سندیکالیسم در ایران (بخش ۵)

سه شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۰ - ۲۱ ژوئن ۲۰۱۱ فرهنگ قاسمی

## همبستگی ملی و اوضاع فرهنگی و سیاسی

” همشهری “، موجودی که از برده هم پست تر بود، خیلی زود به مبارزه برای حقوق خود برخاست؛ زیرا حقوق او بیشتر از حقوق سایر کارگران پایمال می شد. اگرچه توانسته بود مشاغل فنی مهمی را اشغال کند، ولی هنوز کارفرمایان او را به چشم بیگانه نگاه می کردند. دستمزدش نسبت به سایر کارگران - بومی - ۲۰٪ کمتر بود.

در سالهای نخستین اولین دهه قرن بیستم حدود ۵۰٪ کارگران تأسیسات باکو را کارگران مسلمان مهاجر ایرانی تشکیل می دادند. همانطوریکه گفتیم وضع زندگی آنها بسیار فجیع و تأسفبار بود. ” همشهری “ می خواست در برابر کار خوب، حقوق خوب بگیرد، می خواست جریمه نپردازد، می خواست از مرخصی و سایر وسائل و امکانات فرهنگی استفاده کند، می خواست بهداشت و امنیت داشته باشد، می خواست در اتحادیه‌های کارگری شرکت کند، نماینده شود، نماینده انتخاب کند، یعنی می خواست از حقوق خود و سایر کارگران بطور دسته‌جمعی دفاع کند. او که سالها زیر یوغ ستم قرار گرفته بود، قدر و بهای این امکانات را خیلی خوب و بهتر از اهالی بومی می فهمید.

در همین ایام، در سال ۱۹۰۴ حزب سوسیال دموکرات روسیه برای اینکه بتواند از نیروی کارگران خارجی مقیم باکو برای مبارزات سیاسی خود استفاده کند، انجمن سوسیال دموکرات ” همت “ را که رهبر و بنیان‌گذار آن «نریمان نجف‌اوغلو نریمانوف» پزشک دانشمند آذربایجان بود تشکیل داد. [۱] یکی دیگر از رهبران آن، یک بلشویک بنام «M. Azizbekov» بود، ” همت “ نخستین حزب سوسیال دموکرات مسلمانان قفقاز بود.

” همت “ در فاصله سالهای ۱۹۰۷ - ۱۹۰۴ تبلیغات گسترده‌ای را در میان کارگران مسلمان شاغل در مناطق نفتی قفقاز بر راه انداخت. این تبلیغات سبب یک سلسله جنبش‌های انقلابی گردید. در اعتصابات و تظاهرات توده‌های کارگران باکو در سال ۱۹۰۵، کارگران ایرانی نقش بسیار ارزنده‌ای را ایفا کردند. ” باید دانسته شود که انبوه

کارگران ایرانی در تأسیسات صنعتی قفقاز مزدور بودند، در آن اعتصاب سراسری (۱۹۰۵) روسیه مشارکت داشتند. همچنین بنا بر تحقیقات اخیر جماعت دو هزار و پانصد نفری کارگران ایرانی که در معادن مس الهوردی در ارمنستان کار می کردند، هسته اصلی اعتصاب آنجا را در سال ۱۹۰۶ ساختند. [ii]

نقش آنها، همینطور در اعتصاب ژوئیه ۱۹۰۳، اعتصاب ۱۳ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۰۴، اعتصاب ۱۹۰۹ که این آخری به مناسبت سالگرد اعتصاب ۱۹۰۴ انجام گرفت، بسیار مهم بود.

تعداد زیادی از ترکها و مسلمانان قفقاز، مبارزات کارگران "همشهری" را در انجمن "همت" حمایت می کردند، از آنجمله بودند: «نریمان نریمانوف»، «محمدامین رسولزاده»، «دکتر قرابیکوف»، «سلطانمجید افندیوف»؛ علاوه بر اینها شعرا و نویسندگانی بودند که جنبش کارگران ایرانی را در آن مناطق پشتیبانی می کردند مانند: «جلیلمحمد قلیزاده»، «محمدسعید اردوآبادی» شاعر و نویسنده آذربایجان.

از آنجائی که از نظر فرهنگ و زبان میان "همشهری" و بومیهای آذربایجان توفیر زیادی وجود نداشت، ایرانیان شاغل در این مناطق بمرور توانستند از روزنامه ملانصرالدین، یا روزنامههای ارشاد و اقبال که به مسائل ملی می پرداختند استفاده نمایند. با همه اینها نباید فراموش کرد که در آن غربت روز بروز لهیب احساسات ملی و میهنپرستانه ایرانیان بیشتر زبانه می کشید. بویژه از میان مهاجرین و تجار، که اهل علم و نوشتن بودند، این احساسات بیشتر ظهور و بروز می کرد. آثار انتقادی، سیاسی و فرهنگی و هنری «طالبوف» و "سیاحتنامه ابراهیم بیگ"، اشعار وطنی «ادیبالممالک» نمونه های برجسته تجلی و اعتلای تفکر و اندیشه مترقی و آزادیخواهانه و انقلابیاند.

در عین حال، ایرانیانی که در مدارس جدید آنجا درس می خواندند در بادکوبه دو مدرسه معتبر ایرانی به نامهای "اتحاد" و "تمدن" تأسیس کرده بودند؛ دو نشریه فارسی در آنجا به طبع می رسید. یکی "نوروز" و دیگری "حقایق" - که ماهنامه ای ادبی و سیاسی بود - مدیر مجله "حقایق" «میرزا علیمحمدخان اویسی» از مأموران وزارت امور خارجه ناشر افکار ملی بود و در عصر تزارها در مقام آزادی شعر منتشر میکرد. نویسندگان مسلمان قفقاز چشم به ایران داشتند؛ «دکتر نریمان» سوسیالیست، نمایشنامه "نادرشاه" را می نوشت و

«محمد رسولزاده» سوسیال دموکرات رساله سیاسی " سیاوش عصر ما "؛ «عزیز حاجی بگلی» اپراهای " رستم و سهراب " و " لیلی و مجنون " و " شاه عباس و خورشید بانو می ساخت؛ «مسلم مقامایوف» اپرای " شاه اسماعیل " می نوشت؛ «میرزا علیاکبر صابری» اشعار قهرمانی در نهضت مشروطیت ایران می سرود. در مکتبخانه‌های آنجا زبان فارسی می خواندند و شعر فارسی از بر می کردند، روزنامه‌های مترقی مسلمانان قفقاز به ایران می رسیدند و مشترکینی داشتند. روزنامه " ارشاد " ضمیمه فارسی داشت، این روزنامه به کوشش «ادیب‌الممالک فراهانی» انتشار می یافت؛ نویسنده اجتماعی ایران «طالبزاده تبریزی» کتابهای علمی و سیاسی می نوشت و نشر معرفت می کرد. [iii]

این عوامل، علاوه بر رشد تفکرات آزادی‌خواهی وجدان مبارزاتی کارگران را بیدارتر می کرد تا در راه برآورده ساختن اهداف تاریخی خود گام‌های اساسی بردارند.

در آستانه انقلاب مشروطیت ایران در نتیجه اعتصاب‌های عظیمی که در بنگاه‌های صنعت نفت باکو رخ داد و در اثر اخراج دسته‌جمعی کارگران، عده زیادی از آنها مجبور به ترک کار و مراجعت به ایران شدند. این نشان می‌دهد که کارگران مهاجر ایرانی در پرورش فکر انقلابی از همکاران انقلابی خود نه تنها عقب نبوده‌اند، بلکه در شرائطی نیز برتری داشتند.

کارگران عضو شعبه " جمعیت مجاهد " که در تأسیسات معادن مس الهوردی ارمنستان از قدرت زیادی برخوردار بودند، هسته اصلی اعتصاب ۱۹۰۶ را تشکیل می‌دادند. این کارگران همینکه آوازه انقلاب را می‌شنوند بسوی شهر و دیار خود سرازیر می‌شوند؛ در شعبات ایرانی جمعیت مجاهدین شهرهای تهران، تبریز، مشهد، اصفهان و رشت [iv] به فعالیت می‌پردازند.

تأثیرپذیری متقابل کارگران ایرانی و روسی باعث شد اولاً مقداری از انقلابات شهرهای جنوبی روسیه مانند باکو و تاشکند و قفقاز با همکاری کارگران ایرانی سروسامانی بگیرد و از طرفی دیگر در اثر مهاجرت کارگران به ایران افکار انقلابی در جامعه ایران گسترش بیشتری پیدا کند.

این سالها، سالهای شروع آتش انقلاب مشروطه بود. کارگران میهن‌دوست و آزادی‌خواه و مبارز و حوطلب فوج برای شرکت در انقلاب به سوی زادگاه میهن خود سرازیر می‌شدند تا در رستخیز آزادی و عدالت سهم

و وظیفه خود را ادا کنند. کاخ‌های استبداد تاریخی را فروریزند و بنای آزادی و مساوات و عدالت و ترقی و انقلاب را برپا سازند. کوله‌باری که کارگران از مبارزه و مجاهدت همراه خود داشتند، بسیار با ارزش بود.

[i] - دکتر « نریمان نریمانوف » با تفاق « محمدامین رسولزاده » بعداً از رهبران حزب مساوات شدند. نگاه کنید به " فکر دموکراسی اجتماعی "، « فریدون آدمیت »، انتشارات پیام، تهران ۱۳۵۵، صفحه ۱۳

[ii] - " فکر دموکراسی و اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران "، « فریدون آدمیت »، انتشارات پیام، سال ۱۳۵۵، ص. ۳۸

[iii] - اثر پیشین، صفحه ۱۵ و ۱۶.

[iv] - اثر پیشین، ص. ۴۳